

تحلیل تاریخی نهادی تغییرات ساختاری وزارت آموزش و پرورش

رضا واعظی^۱، پریسا مکی^{۲*}، علی اصغر پورعزت^۳، داود حسین پور^۴

- ۱- استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- ۲- دانشجوی دکتری، رشته مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- ۳- استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- ۴- دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۶

دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۱

چکیده

تغییرات ساختاری در دولت به‌طور معمول در دولت‌های مختلف به‌صورت مقطعی با رویکردی جزئی و بدون نگاهی کلان رخ می‌دهد. اصلاحات ساختاری دولت نیازمند درک روند کلی این تغییرات از دیدگاهی کلان و در بازه زمانی بلندمدت است. هدف از این پژوهش بررسی تغییرات ساختاری وزارت آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی تا زمان حال و تحلیل نهادی تاریخی این تغییرات است. شرط اصلاحات ساختاری مطلوب در دولت، شناخت زمینه تاریخی- نهادی شکل‌گیری و تغییر ساختارهاست. راهبرد این پژوهش تفسیری است. در پژوهش تفسیری توصیف‌ها و تفسیرهای چندلایه از پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی آنگونه که اتفاق می‌افتند، انجام می‌شود نه آنگونه که برنامه‌ریزی می‌شوند. بنابراین به‌منظور درک عمیق و یا شناخت یک سازمان باید به شناخت، درک ریشه و زمینه‌های تاریخی آن پرداخت.



در این مطالعه با بررسی تغییرات ساختاری وزارت آموزش و پرورش با نگاه تاریخی- نهادی دریافت شد که تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده درخصوص ساختار وزارت آموزش و پرورش سبب بی‌نظمی و انسجام نداشتن در خط‌مشی‌های کلان این وزارتخانه شده است، به‌طوری‌که اغلب در تعارض با یکدیگر و خنثی‌کننده تصمیم‌های پیشین یکدیگر بوده‌اند. با وجود آنکه از لحاظ قانونی صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی از نظر جایگاه قانونی برای ایجاد تغییر در ساختار دولت محل ابهام است، اما همچنان این مرجع در حاشیه‌ای به‌نسبت امن و نقدناپذیر به گسترش بی‌رویه و گاهی وقت‌ها موازی‌سازی در ساختار وزارت آموزش و پرورش ادامه می‌دهد و ضروری است اصلاحات نهادی در مورد به‌رسمیت شناختن مسیری واحد و قانونی برای ایجاد تغییرات ساختاری در وزارت آموزش و پرورش انجام شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل تاریخی- نهادی، وزارت آموزش و پرورش، تغییرات ساختاری.

۱- مقدمه

در نهادگرایی تاریخی بیان می‌شود که پیامدهای خط‌مشی‌های عمومی تنها انعکاسی از اولویت‌ها یا منافع نیروهای اجتماعی قوی‌تر نیست بلکه با ترتیب وقایع^۱ گذشته و حال مجراسازی می‌شود. در واقع خط‌مشی‌هایی که در گذشته انتخاب شده‌اند، گزینه‌های امروز ما را می‌سازند. بنابراین سازمان‌ها، مجامع و رویه‌های سیاسی و دولتی که روابط بین بازیگران اقتصادی و دولت را تنظیم می‌کنند، وابسته به مسیر هستند و این نهادهای موجود هستند که به طرح و محتوای تصمیم‌های خود ساختار می‌دهند. بنابراین هیچ اصلاحی حتی اصلاحاتی که منطبق با تئوری سازمانی انجام می‌شود، قادر به غلبه بر رویه‌های رایج موجود در دولت نبوده است [۱، ص ۱۳۶].

از نظر تحلیلی، نهادگرایی تاریخی جعبه ابزاری مفهومی است که توجه را به نقش پدیده گذرایی^۲ (موقت بودن) در تأثیر بر خاستگاه و تغییرات در نهادهای حاکم بر روابط سیاسی و اقتصادی متمایز جلب می‌کند. پژوهشگران تأکید می‌کنند که چگونه گذرایی، پدیده‌هایی چون

1. arrangements
2. temporally



زمان‌بندی و توالی وقایع ایجاد کننده نهادهای رسمی و غیررسمی را تعریف می‌کند و ظهور و تغییر آنها چگونه بر خط‌مشی‌های عمومی و توزیع اقتدار سیاسی تأثیر می‌گذارد. چنین تأکیدی به پژوهشگران کمک می‌کند تا آموزه‌های متداول از خاستگاه مؤسسه‌های (نهادهای) بزرگ را بازنگری کرده و همچنین تبیین کنند که چرا این مؤسسه‌ها اغلب پس از اینکه انگیزه اولیه ایجاد آنها از بین رفت، همچنان دوام می‌آورند. تمرکز بر پدیده گذرایی مانند مقاطع حساس (تاریخی) و گذرگاه‌های وابستگی به مسیر، به پژوهشگران کمک کرده است تا تبعات دوردستی را کشف کنند که مؤسسه‌ها می‌توانند به دلیل ماهیت قدرت سیاسی و همچنین استراتژی‌ها، ترجیحات و شخصیت بازیگران در طی زمان داشته باشند. توجه به پدیده گذرایی این کمک را نیز به پژوهشگران کرده است که از حافظه سیاسی به‌عنوان یک مجموعه تغییرات مختصر در پی سطوح بالای ثبات نهادی با تئوری‌های تغییرات تدریجی برای تبیین منابع ساختارهای پیچیده و موازی اقتدار سیاسی استفاده کنند [۱].

بنابراین شرط اصلاحات ساختاری مطلوب در دولت، شناخت زمینه تاریخی - نهادی شکل‌گیری و تغییر ساختارهاست. تلاش برای درک ریشه‌های تغییرات ساختاری دولت به ناچار ما را به رویکردی تاریخی رهسپار می‌کند. در پیش گرفتن رویکردی تاریخی به اصلاحات ساختاری و سازماندهی دوباره و همچنین توجه به زمان‌مندی تغییرات باعث برجسته شدن ابعادی از زندگی اجتماعی می‌شود که به‌طوراساسی از زاویه نگاه غیرتاریخی پنهان می‌ماند. گنجاندن خط‌مشی‌ها در بستر زمان می‌تواند هم تبیین‌هایی را برای رویدادهای ساختاری ارائه دهد و هم تحلیل نهادی این رویدادها را غنی سازد. «بررسی نظام‌مند فرایندهایی که در بستر زمان شکوفا می‌شوند، درخور جایگاهی محوری در علوم اجتماعی است» [۱، ص ۱۹].

راهبرد این پژوهش، تفسیری است. هدف اصلی پژوهش تفسیری، ارائه توصیف‌ها و تفسیرهای چندلایه از پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی به شیوه‌ای است که انسان‌ها به آنها می‌نگرند؛ یعنی آنگونه که اتفاق می‌افتند نه آنگونه که برنامه‌ریزی می‌شوند. بنابراین به‌منظور درک عمیق یک رویداد و یا شناخت یک سازمان باید به شناخت و درک ریشه و زمینه‌های تاریخی آن پرداخت [۱]. در این مطالعه تغییرات ساختاری کلان در ستاد وزارت آموزش و پرورش (آپ) از سال ۱۳۵۷ تاکنون بررسی شده و روند آن تحلیل می‌شود.



۱-۱- مروری بر ادبیات نهادگرایی تاریخی

از دهه ۱۹۹۰ بر اهمیت ایده‌ها، منافع اقتصادی و نهادهای سیاسی و رابطه بین آنها افزوده شد. این امر در مکتب نهادگرایی تاریخی که سعی در تبیین نتایج سیاسی دارد، منجر به تحول بزرگی شد.

نهادگرایی تاریخی تأثیر زیادی از کارکردگرایان ساختاری پذیرفت، اما در مورد تغییر، آنها این ایده را رد می‌کنند که هرگونه ویژگی فردی، روانشناختی، فرهنگی یا اجتماعی می‌تواند به‌عنوان ویژگی عمومی سیستمی که در آن قرار دارند، تعمیم داده شود. در عوض آنها معتقدند که سازمان‌های نهادی رفتار جمعی را شکل می‌دهد، در نتیجه پیامدهای سیاسی به دنبال دارند [۱]. در این تحلیل آنها عامل عقلانیت فرد و سازمان‌ها را نیز داخل می‌کنند، اما تحت تعابیر تاریخی از فرهنگ و به‌منظور رمزگشایی از تفسیر هنجارها و آنچه که در چنین زمینه‌ای عقلانی در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب، نهادگرایی تاریخی یک رویکرد محوری دارد که دو رویکرد دیگر را در بر گرفته است و از آن فراتر می‌رود [۵]، به‌خصوص وقتی که رویکردهای فرهنگی و حسابگری را تحلیل می‌کند.

های و وینکوت^۱ (۱۹۹۸) معتقدند که هال و تیلور (۱۹۹۶) در تلاشند با تلفیق رویکردهای فرهنگی و حسابگرانه در رشته تاریخی، دیالوگی بین نهادگرایی جامعه‌شناختی و نهادگرایی انتخاب عقلایی برقرار کنند. رویکرد حسابگرانه فرض می‌کند که افراد در هر دوره‌ای از زمان تمایل دارند که برای به حداکثر رساندن سود خود، استراتژیک عمل کنند و نهادها چارچوبی برای آسان‌سازی پیش‌بینی و محدود کردن اقدام‌های قابل رخداد فراهم می‌کنند. حال سهم نهادگرایی تاریخی در این رویکرد این است که احتمالات در بافت تاریخی حول تصمیم‌های گرفته شده بررسی می‌شوند. رویکرد فرهنگی بدون آنکه رویکرد حسابگرانه را انکار کند، با آن مخالف است و درجه‌ای را که افراد تصمیم منطقی را کنار گذاشته و به ساختارهای آشنا و روال‌های رایج تکیه می‌کنند، تحلیل می‌کند. اما برای این کار لازم است منطق تاریخی و زمینه‌ای تصمیم‌هایی که کنار گذاشته شده و ساختارهای آشنا و روال‌های مستحکم چنین افرادی را در آن زمان دقیق درک کرد [۱].

1. Hay and Wincott



سهم اصلی نهادگرایی تاریخی این بوده است که منجر به معرفی مفهوم وابستگی به مسیر شد که فرض می‌کند که در فرایندهای یکسان در مکان‌های مختلف می‌تواند نتایج متفاوتی به بار آورد، زیرا هیچ دو شرایط یکسانی وجود ندارد؛ فرضیه‌ای که می‌تواند بدیهی تلقی شده و مشکل‌ساز شود [۵]. یکی از راه‌های بررسی این موضوع این است که ترتیب وقوع اتفاقات بر نحوه وقوع آن تأثیرگذار است [۷]. براساس گفته فیورتوس^۱ (۲۰۱۱) زمان‌مندی و توالی خاصی که یک پدیده رخ می‌دهد، به چهار ویژگی برمی‌گردد که اهمیت زمینه را نشان می‌دهد:

۱- غیرقابل پیش‌بینی بودن، به معنای اینکه انتظار می‌رود نتایج اتفاق‌های مشابه به‌طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت باشد؛

۲- انعطاف نداشتن، این ایده که هرچه زمان بیشتر بگذرد، معکوس کردن اثرهای چنین رویدادی دشوارتر می‌شود؛

۳- غیرعادی بودن^۲، این احتمال که این آثار می‌تواند آزمون زمان را تحمل کند؛

۴- ناکارآمدی^۳، این واقعیت که ایده‌ها و گزینه‌های رها شده می‌توانند نتایج کارآمدتری داشته باشند، اما دیگر از محدوده محتمل خارج شده‌اند.

مفهوم دیگری که برای وابستگی به مسیر ضروری است، «ناکارآمدی تاریخی» است [۱، ص ۳۷۶]. این ایده که تبعات خاص وابستگی به مسیر از یک تجربه مشخص می‌تواند باعث شود بدیل‌های نهادی طراحی شده در بافتی متفاوت، با احتمال بیشتر با شکست روبه‌رو شود، به‌رغم این واقعیت که تحلیل الگوهای سودمندی می‌تواند بهترین عملکرد مورد انتظار از آنها را نشان دهد [۷].

هرچند مفهوم وابستگی به مسیر، برگرفته از آمیزه‌ای از نهادگرایی انتخاب عقلایی و نهادگرایی جامعه‌شناختی است، به‌طور خاصی در بطن ریشه‌های اصلی نهادگرایی تاریخی شکل گرفته و دو رویکرد نخست را زمان صحبت از تغییرات نهادی از دور خارج می‌کند [۱]. تغییر به‌عنوان نتیجه دریافت می‌شود، درحالی‌که دو رویکرد نخست خواه ناخواه، شامل مجموعه اقدام‌های راهبردی است که درون بافت نهادها و در زمان و مکان مشخص پنداشته شده است که شرایط لازم برای ترجیح برخی از گزینه‌ها به سایر گزینه‌ها را مهیا می‌کند [۶].

1. Fioretos
2. nonergodicity
3. inefficiencies



این تحلیل دقیق تنها به لطف نهادگرایی تاریخی برای ترکیب رویکرد حسابگرانه و رویکرد فرهنگی و وابستگی به مسیر حاصل می‌شود.

از آنجایی که مفهوم وابستگی به مسیر به ما می‌گوید که هیچ راهی نیست که بتوانیم از راه آن با اطمینان حساب کنیم که هزینه کلی انتخاب یک گزینه نسبت به گزینه دیگر زمان تغییر نهادی چقدر خواهد بود و با توجه به اینکه عوامل ناشناخته می‌تواند بر نتایج مداخله و تأثیرگذار باشد، هیچ راهی برای فرمول‌بندی الگویی که به دور از به‌خطر انداختن حاشیه امن مسئولان بتواند در هر شرایطی به کار آید، وجود ندارد [۱]. نهادگرایی تاریخی با کنار گذاشتن تعمیم‌های کلان به‌راحتی می‌تواند از موانع نهادگرایی جامعه‌شناختی و انتخاب عقلایی عبور کند، با این فرض که سازمان‌ها فقط از تحولات نهادی برای تقویت مشروعیت خود استفاده می‌کنند و هر تغییر نهادی ایجاد شده در هر بافتی باید به‌ترتیب در یک انتخاب عقلایی قرار گیرد.

علاوه‌براین، نهادگرایی تاریخی بدون انکار عقلانیت مانند رشته جامعه‌شناختی در تناقض استفاده از انتخاب عقلایی برای درک رفتار سازمان‌ها یا افراد گرفتار نمی‌شود. سرانجام، نهادگرایی تاریخی از انتخاب عقلایی نیز قوی‌تر است، زیرا تغییرات واقعی را در نهادها و نه فقط در تکامل آنها در نظر می‌گیرد، چراکه آنها هیچ‌وهمی از برنامه از پیش تعیین شده نهادها برای تحول ندارند تا بخواهند از تغییرات واقعی اجتناب کنند. همچنین به این دلیل قوی‌تر از انتخاب عقلایی است که اهمیتی شایسته و سزاوار را به زمینه و محتوا به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در نتیجه و ساختار فرایند تغییر نهادی می‌دهد [۱].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲- روش‌شناسی پژوهش

۲-۱- طرح پژوهش

یکی از راه‌های دستیابی به درک و شناخت بهتر از پدیده‌های مورد مطالعه پژوهش، تفسیری است که در آن پژوهشگر با استفاده از ایجاد و توسعه معانی ذهنی بیشتر از توصیف ساده درباره چستی پدیده‌ها فراتر رفته و معانی ذهنی مربوط به پدیده‌ها را تفسیر کند. به عبارت



دیگر تفسیر دربرگیرنده تشریح دقیق چیستی پدیده و همچنین معانی مرتبط با این چیستی است.

پژوهش تفسیری مبتنی بر این فرض است که انسان واقعیت را تنها از راه شناخت معانی‌ای که به پدیده‌های اجتماعی می‌دهند، می‌تواند بازشناسی کند. بازشناسی واقعیت‌ها، امری بسیار دشوار است چراکه فرض بنیادین تئوری تفسیری این است که پدیده‌های اجتماعی دائم در حال تغییر و تحول هستند. بنابراین معانی که افراد به این پدیده‌های در حال تغییر می‌دهند نیز دائم در حال تغییر و تحول خواهند بود. از این رو پژوهش تفسیری زمینه‌محور است و بر اساس قواعد از پیش تعیین شده و پیش‌فرض‌های ثابت عمل نمی‌کند [۴].

رابطه میان تفسیر و تاریخ، هرچند به ظاهر موجه است، به نظر می‌رسد به طور کامل معماگونه است. تفسیر به معنای دقیق کلمه به واقعیت تاریخی به معنای دقیق کلمه به طور کامل نامربوط است. فهم یا تفسیر کاملاً نازمان‌مند است. فهم، یعنی توانایی همدلی کردن یا خود را درون ساختاری از عناصر تصور کردن یا افکندن، تنها و تنها به محتوای آرمانی می‌پردازد. فهم، فرایند انسجام و پیوند این محتوای آرمانی است. بنابراین از چشم‌انداز فهم این پرسش که آیا این محتوا در زمره مقولات واقعیت یا تخیل، حال یا گذشته قرار می‌گیرند، بی‌اهمیت است. وجود پدیده‌ای تاریخی و واقعیت آن به معنای دقیق کلمه، امری محض است که هرگز نمی‌توان آن را فهمید. ولی زمان تاریخی تنها و تنها فرم واقعیت است. نتیجه می‌شود که فهم نیز کاملاً مستقل از زمان تاریخی است [۱، ص ۱۷۱].

اغلب فهم، روابط زمان‌مند را در بر می‌گیرد، برای مثال تولید علی یک پدیده به مثابه پیامد پدیده‌ای دیگر ممکن است ابژه فهم باشد. با این همه این واقعیت نظریه پیش گفته شده را نقض نمی‌کند. در این مورد، گروه این پدیده‌ها مجموعه تفسیری را شکل می‌دهد. این رابطه زمان‌مند که با نظم و دیرندی^۱ ضروری تصور می‌شود، اکنون محتوای خودسامان و ابژه شناخته شده فهم می‌شود. با این همه این نوع فهم که مبتنی بر رابطه میان عناصر خاص است، آشکارا به طور کامل مستقل از پرسش زیر است: کل گروه در چه نقطه‌ای در دستگاه مختصات زمانی ما واقع شده‌اند؟ این مجموعه پدیده‌ها نه به واسطه این واقعیت که در جایگاهی معین واقع

1. duration



شده‌اند، بلکه به دلیل رابطه کارکردی میان محتوای خود فهمیده می‌شوند. این زمان درون‌بود چنین مجموعه تفسیری‌ای از واقعیت‌های زمان تاریخی نیست. بلکه مشابه با زمانی است که اندازه‌گیری‌اش در آزمایشی علمی اهمیت دارد؛ نوعی از زمان که ابدأً به تاریخ تقویمی‌ای که آزمایش در آن انجام می‌شود، ربطی ندارد [۶، ص ۱۷۲].

در اصل هیچ تبیینی همواره غایی یا جامع نیست. فهم لحظه‌ای مفروض، به ناچار نیازمند فهم لحظه‌ای پیش است. بنابراین از چشم‌اندازی منطقی، مجموعه تفسیری امتدادی نامحدود پیدا می‌کند. از چشم‌اندازی تجربی، این مجموعه به محتوای کهن‌ترین رویدادی که بر ما شناخته شده است، امتداد پیدا می‌کند. اگر تصور کنیم که رویدادهای شناخته شده تاریخ به‌طور جامع و کامل به‌صورت توالی‌های علی ساختار پیدا کرده‌اند، آنگاه تنها مجموعه‌ای که فهم هر رویداد منفرد را امکان‌پذیر می‌کند، کل این رویدادها است [۶، ص ۱۷۳].

فرایندهای نهادینگی در افق‌های زمانی به‌نسبت گسترده‌ای وضع می‌شوند، در نتیجه روش‌های پژوهش طولی و/ یا تاریخی را می‌طلبد. برگر و لاکمن (۱۹۶۷) یادآوری می‌کنند که برونی‌سازی به درونی‌سازی ممکن است سال‌ها، دهه‌ها و یا نسل‌ها زمان نیاز داشته باشد [۱]، به‌این‌معنا که دیدگاه‌های تخصصی^۱ با افق زمانی بلندمدت بهترین حالت برای این بررسی‌ها است [۱].

۲-۲- گردآوری داده‌ها

علاقه نهادگرایی تاریخی به تجزیه و تحلیل تاریخی و فرایندمحور به‌طور معمول به ترجیح روش‌شناختی برای پژوهش‌های موردی کیفی دلالت دارد که مبتنی بر توصیف متراکم و تجربی است. براین اساس، بیشتر آثار در سنت HI مطالعات تک موردی یا کم تعداد هستند که از ردیابی فرایند استفاده می‌کنند [۱]. به‌همین ترتیب جامعه این پژوهش به وزارت آب محدود شده است.

برخی از پژوهشگران در سنت نهادگرایی تاریخی بر قوانین و سازمان‌های رسمی تمرکز می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر به قوانین و هنجارهای غیررسمی می‌پردازند [۱]. در این

1. disciplinary perspectives



مطالعه تمرکز ما بر نهادهای رسمی است؛ یعنی تغییرات ساختاری که مبنای قانونی دارند، به‌عنوان داده‌های پژوهش جمع‌آوری خواهند شد.

معیار تشخیص تغییرات ساختاری به‌عنوان داده‌های پژوهش با تعریف عبارت سازماندهی مجدد حاصل می‌شود. سازماندهی مجدد عبارت گسترده‌ای است که تعداد زیادی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود. دال^۱ (۱۹۶۷) معتقد است هرگونه تغییر در توزیع مسئولیت‌ها یا قدرت تصمیم‌گیری یا در روابط بین وظایف می‌تواند سازماندهی مجدد نامیده شود [۱]. هاوارد^۲ (۱۹۹۲) بیان می‌کند سازماندهی مجدد به معنای بازچینی عمودی یک نهاد با سازوکارهای اداری سازگارتر است؛ یعنی برنامه و خط‌مشی عمومی بر مبنای یک ساختار اداری تعریف می‌شود [۱]. مان و آناگنسون^۳ (۱۹۷۹) نیز سازماندهی مجدد را شامل سه دسته تغییر می‌دانند که عبارت است از: الف - واگذاری مجدد کارها و گروه‌بندی مجدد وظایف در میان سازمان‌ها؛ ب - جابه‌جایی سازمان‌ها یا اداره‌های بزرگ بین وزارتخانه‌ها و پ - اعمال سازوکارهای هماهنگی مانند شورای منابع آب یا شورای داخلی علاوه بر برنامه‌های متفرقه سازمان [۱]. برای محدود کردن این مطالعه، خود را محدود به تعریف مان و آناگنسون می‌کنیم و سازماندهی مجدد را به‌عنوان تغییر در ساختار، وظایف و خطوط اختیار در نظر می‌گیریم و سازوکارهای هماهنگی را لحاظ نخواهیم کرد؛ این به آن معنا نیست که اهمیت هماهنگی را در تغییرات سازمانی ناچیز بدانیم [۱].

۲-۳- تحلیل داده‌ها

به‌منظور طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های حاصل از بررسی قوانین مربوط به تغییرات ساختاری، هر تغییر ساختاری را یک رویداد در نظر می‌گیریم که عبارت از هرگونه تغییر در یک واحد سازمانی مشخص است. ایجاد، بلوغ و (در صورت لزوم) از میان رفتن واحد سازمانی، شناخته‌شده‌ترین رویدادها هستند.

1. Dale
2. Howard
3. Mann and Anagnoson



دوازده رویداد در حوزه تغییرات ساختاری آماده تمایز است. نه رویداد نخست تغییرات ساختاری (ایجاد و حذف واحدها) را به تصویر می‌کشد. سه رویداد دیگر انتقال وظایف را شامل می‌شود که با تغییرات ساختاری آماده نمایش نیست. در ادامه انواع رویدادها به همراه شکل تعریف می‌شود:

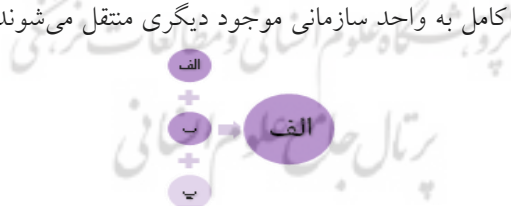
۱. **ایجاد**^۱: این رویداد زمانی استفاده قرار می‌شود که واحد سازمانی بدون هیچ‌گونه ارتباطی با واحدهای سازمانی دیگر ایجاد می‌شود. چنین واحد سازمانی‌ای هیچ سابقه قبلی به‌عنوان یک شکل سازمانی نداشته است.



۲. **تفکیک**^۲: این کد در مواقعی استفاده می‌شود که برخی از وظایف و منابع^۳ از یک سازمان موجود به‌منظور ایجاد یک یا چند سازمان جدید منتقل می‌شوند و به‌این ترتیب واحد سازمانی اولیه همچنان باقی مانده، نام و ساختار بنیادین خود را حفظ می‌کند.



۳. **جذب**^۴: این رویداد زمانی استفاده قرار می‌شود که وظایف و منابع یک یا چند واحد سازمانی به‌طور کامل به واحد سازمانی موجود دیگری منتقل می‌شوند.



1. Birth
2. Secession
3. functions and resources
4. Absorption



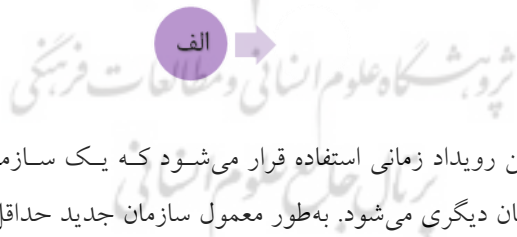
۴. تجزیه^۱: این رویداد زمانی استفاده می‌شود که موجودیت یک واحد سازمانی با تقسیم آن به دو یا چند واحد سازمانی جدید و انتقال همه وظایفش به این واحدهای سازمانی جدید متوقف می‌شود.



۵. ادغام^۲: این رویداد زمانی استفاده می‌شود که دو یا چند واحد سازمانی در یک واحد سازمانی جدید با موقعیت/ وضعیت^۳ مستقل ادغام شود. موجودیت واحدهای ادغام شده متوقف می‌شوند.



۶. انحلال^۴: این رویداد زمانی استفاده می‌شود که یک واحد سازمانی منحل شده و هیچ سازمان جایگزینی به وجود نیامده است و وظایف آن به سازمان دیگری منتقل نمی‌شود.

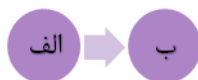


۷. جایگزینی^۵: این رویداد زمانی استفاده قرار می‌شود که یک سازمان به‌طور کامل جایگزین سازمان دیگری می‌شود. به‌طور معمول سازمان جدید حداقل یکی از موارد

1. Split
2. Merge
3. standing/status
4. Death
5. Replacement



زیر را داراست: نام جدید^۱، جایگاه قانونی جدید^۲، ساختار جدید^۳ یا وظیفه اصلی جدید^۴ و همچنین ممکن است محدوده سیاست‌های^۵ خود را گسترش دهد.



۸. **خصوصی‌سازی**^۶: این رویداد زمانی استفاده می‌شود که سازمانی که به طور کامل دولتی بوده و یا بخش عمده آن دولتی بوده، فروخته شده است و بخش اعظم یا کل آن به مالکیت خصوصی در می‌آید.



۹. **ملی شدن**^۷: این رویداد زمانی استفاده می‌شود که سازمانی که تحت تملک دولت نیست یا حداقل سهم مالکیت آن را دارد، به طور کامل یا بخش اعظم آن به تملک دولت در می‌آید.



۱۰. **انتقال به پایین**^۸: این رویداد زمانی استفاده می‌شود که وظایف یا منابع یک یا چند واحد سازمانی به یک یا چند ارگان^۹ زیرمجموعه ستادی منتقل می‌شود.



۱۱. **انتقال افقی وظایف**^{۱۰}: این رویداد زمانی استفاده می‌شود که وظایف اصلی یا بخش عمده‌ای از یک یا چند سازمان به واحد سازمانی دیگری منتقل می‌شود (Part of (A → D (+B; +C ...)).

1. new name
2. new legal status
3. new structure
4. new core function
5. policy domain
6. Privatisation
7. Nationalisation
8. Transfer to Sub-national
9. body
10. Transfer of Function



۱۲. انتقال وظایف به بالا^۱: این رویداد زمانی استفاده می‌شود که وظایف و منابع یک یا چند واحد زیرمجموعه ستاد به یک واحد سازمانی منتقل می‌شوند [۲].



۳- یافته‌ها: تغییرات ساختاری وزارت آموزش و پرورش

در این مطالعه آغاز تحلیل تاریخی تغییرات ساختاری را انقلاب اسلامی به‌عنوان مقطعی حساس برگزیدیم. یک مقطع حساس برشی از زمان است که با یک سستی مختصر در «قیود ساختار مشخص می‌شود که به نمایندگی یا رخداد‌های آتی اجازه می‌دهد که از قبل و یا زمان بروز علل منشعب شود» [۳] تغییرات کلان سازمانی وزارت آب در بازه سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰ بررسی شدند (جدول ۱).

جدول ۱. تغییرات در سازمان‌های وابسته به وزارت آموزش و پرورش

تغییرات	مرجع تغییرات	سال
ستاد وزارتخانه		
کمیسیون توسعه آموزش عمومی فرآینی	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۸۸
جداسازی معاونت پرورشی از معاونت تربیت بدنی	هیئت وزیران	۱۳۹۰
تشکیل دفتر همکاری حوزه‌های علمیه و وزارت آب	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۴۰۰
سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور		
شورای عالی آموزش و پرورش		
جایگزینی	شورای انقلاب	۱۳۵۸
ارتقای سطح دبیر شورا (جایگزینی)	شورای انقلاب	۱۳۵۹
تحدید وظایف شورای عالی آب به موضوعات آموزشی (جایگزینی)	مجلس شورای اسلامی	۱۳۶۵

1. Transfer from Sub-national



تغییرات	مرجع تغییرات	سال
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی		
تغییر نام (جایگزینی)	شورای انقلاب	۱۳۵۸
تجمیع مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی در سازمان	شورای عالی اداری	۱۳۸۳
تجمیع پژوهشگاه مطالعات آب در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	شورای عالی اداری	۱۳۸۹
پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش		
تجمیع پژوهشکده‌های وابسته به آب و سازمان آموزش و پرورش استثنایی	شورای عالی اداری	۱۳۸۳
ادغام تمام مراکز و مؤسسه‌های پژوهشی مصوب وزارت آب در قالب یک پژوهشگاه	شورای گسترش آموزش عالی	۱۳۸۳
تصویب اساسنامه پژوهشگاه مطالعات آب	شورای گسترش آموزش عالی	۱۳۸۴
ادغام «پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی» و «پژوهشکده نوآوری‌های آموزشی» با عنوان «پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی» و ادغام در پژوهشگاه	شورای عالی اداری	۱۳۸۹
سازمان ملی پیشاهنگی ایران		
دولتی شدن	شورای انقلاب	۱۳۵۸
انتقال افقی کانون‌های ورزشی و فرهنگی اسلامی جوانان (کاخ‌های جوانان سابق) از سازمان تربیت بدنی به اداره کل تربیت بدنی وزارت آب	شورای انقلاب	۱۳۵۸
انحلال	مجلس شورای اسلامی	۱۳۶۴
اساسنامه کانون‌های فرهنگی و تربیتی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۶۸
سازمان دانش آموزی		
تصویب اساسنامه (جایگزینی)	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۷۸
انجمن اولیا و مربیان ایران		
ملی شدن	شورای انقلاب	۱۳۵۸
تصویب اساسنامه انجمن مرکزی اولیا و مربیان	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۶۷



سال	مرجع تغییرات	تغییرات
۱۳۸۳	شورای عالی اداری	غیردولتی کردن انجمن مرکزی
۱۳۹۰	شورای عالی اداری	ادغام «انجمن مرکزی اولیا و مربیان» و «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» با عنوان «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده»
۱۳۹۵	شورای عالی اداری	تجزیه انجمن اولیا و مربیان از سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده و تبدیل به تشکل غیردولتی وابسته به وزارت آپ، تغییر عنوان سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده به سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی
سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی		
۱۳۶۷	شورای عالی انقلاب فرهنگی	موافقت با اصل تشکیل «سازمان مدارس غیرانتفاعی و مشارکت‌های مردمی» وابسته به وزارت آپ (انتقال به پایین)
۱۳۸۹	شورای عالی اداری	تجمیع مؤسسه آموزش از راه دور به سازمان
۱۳۸۷	مجلس شورای اسلامی	قانون اصلاح قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب ۱۳۶۷/۳/۵ (تشکیل سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی) انتقال به پایین
۱۳۸۸	هیئت وزیران	تصویب اساسنامه سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی
۱۳۹۰	شورای عالی اداری	ادغام «انجمن مرکزی اولیا و مربیان» و «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» با عنوان «سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده»
۱۳۹۵	شورای عالی اداری	تجزیه انجمن اولیا و مربیان از سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده و تبدیل به تشکل غیردولتی وابسته به وزارت آپ، تغییر عنوان سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خانواده به سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان		
۱۳۵۹	شورای انقلاب	ملی شدن زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی
۱۳۵۹	شورای انقلاب	تصویب اساسنامه (جایگزینی)
۱۳۶۰	هیئت وزیران	انتقال افقی از آموزش عالی به آپ



سال	مرجع تغییرات	تغییرات
نهضت سوادآموزی		
۱۳۶۳	مجلس شورای اسلامی	تصویب اساسنامه نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران (ایجاد)
۱۳۹۲	شورای عالی انقلاب فرهنگی	راهبری ارائه خدمات سوادآموزی و مدیریت فرایند سوادآموزی به جای مباشرت و تصدی مستقیم امر سوادآموزی
سازمان ملی پرورش استعدادهاى درخشان		
۱۳۵۸	هیئت وزیران	«انتقال به بالا»ی سازمان ملی پرورش استعدادهاى درخشان در ستاد وزارت آپ
۱۳۶۱	هیئت وزیران	جداسازی سازمان ملی پرورش استعدادهاى درخشان از ستاد وزارت آپ
۱۳۶۷	هیئت وزیران	تصویب اساسنامه سازمان ملی پرورش استعدادهاى درخشان (جایگزینی)
۱۳۶۷	شورای عالی انقلاب فرهنگی	وابستگی سازمانی «سازمان ملی پرورش استعدادهاى درخشان» به وزارت آپ (انتقال به پایین)
۱۳۸۹	شورای عالی اداری	تجمیع سازمان ملی پرورش استعدادهاى درخشان و باشگاه دانش‌پژوهان جوان و انتقال به بالا در ستاد وزارتخانه
۱۳۹۸	شورای عالی انقلاب فرهنگی	تصویب «اساسنامه سازمان ملی پرورش استعدادهاى درخشان» (جایگزینی)
سازمان آموزش و پرورش استثنایی		
۱۳۶۹	مجلس شورای اسلامی	تصویب قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی (انتقال به پایین)
۱۳۷۰	مجلس شورای اسلامی	تصویب اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی
۱۳۷۳	شورای عالی انقلاب فرهنگی	تصویب اساسنامه باشگاه دانش‌پژوهان جوان (ایجاد)
۱۳۷۶		اصلاح اساسنامه باشگاه دانش‌پژوهان جوان (جایگزینی)
دانشگاه فرهنگیان		
۱۳۶۲	شورای عالی آموزش و پرورش	اساسنامه مراکز تربیت معلم
۱۳۸۵	شورای گسترش آموزش عالی	اساسنامه مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (ص) (جایگزینی)



سال	مرجع تغییرات	تغییرات
۱۳۸۹	شورای عالی انقلاب فرهنگی	انتقال افقی دانشگاه ویژه فرهنگیان از تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به زیر نظر وزارت آپ
۱۳۹۰	شورای عالی انقلاب فرهنگی	ماده واحده «تشکیل دانشگاه ویژه فرهنگیان» به صورت هیئت امنایی (ایجاد)
۱۳۹۰	شورای عالی انقلاب فرهنگی	تصویب اساسنامه «دانشگاه فرهنگیان»
سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک		
۱۳۹۹	شورای عالی انقلاب فرهنگی	ساماندهی امور مربوط به مهدکودکها (ایجاد از محل ادغام)
۱۳۹۹	شورای عالی انقلاب فرهنگی	تصویب اساسنامه

۴- تحلیل روند تغییرات ساختاری در وزارت آموزش و پرورش

بررسی سیر تغییرات در سازمان‌های وابسته به وزارت آپ پس از انقلاب اسلامی ایران نشان‌دهنده مشخصات زیر است:

- ماهیت انقباضی تغییرات ساختاری در اوایل انقلاب
انقلاب اسلامی به عنوان مقطعی حساس سبب سست شدن ساختارهای قدیمی شد. بنابراین تغییرات انقباضی شدیدی در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ به وقوع پیوست. در هیچ مقطع زمانی تعداد معاونت‌های وزارتخانه ۴ عدد در سال ۱۳۶۰ نبوده است. همچنین تعداد واحدهای سازمانی ستاد وزارتخانه طی این مدت کاهش چشمگیری داشته است. اما صرف نظر از دولتی کردن برخی از مؤسسه‌های آموزشی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انحلال موقت سازمان‌هایی چون سمپاد و سازمان پیشاهنگی نشان از تلاش برای ایجاد تغییرات ساختاری بنیادین در وزارت آپ داشته است.
- ماهیت انبساطی تغییرات ساختاری در وزارت آپ
الگوی تشکیل سازمان‌های وابسته به وزارت آپ ارتقای تشکیلاتی واحدهای سازمانی درون وزارتخانه و تبدیل آن به سازمانی وابسته است. بررسی تغییرات ساختاری وزارت آپ نشان می‌دهد که به مرور زمان وظایف تخصصی آموزشی از ستاد وزارتخانه جدا شده و به



سازمان‌های وابسته منتقل شده است. به‌همین ترتیب نسبت واحدهای سازمانی عمومی به واحدهای سازمانی تخصصی در ستاد وزارت آب افزایش پیدا کرده است. جداسازی وظایفی چون سوادآموزی، آموزش استثنایی، مدارس غیردولتی و به‌تازگی پیش‌دبستانی از وزارتخانه به سازمان‌های وابسته نمایانگر این روند است.

۳. خاصیت ارتجاعی تغییرات ساختاری

می‌توان گفت در تاریخ وزارت آب، هیچ سازمان وابسته‌ای نبوده که منحل شده و دوباره احیا نشده باشد و این نشان از کشش و گرایش بروکراسی به بقا و گسترش دارد. هر یک از تغییرات انقباضی که از پس از انقلاب اسلامی در ترکیب سازمان‌های وابسته به وزارت آب اتفاق افتاده است، بازگشتی بوده و دوباره به حالت انبساطی سابق بازگشته است، برای مثال سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد) در سال ۱۳۵۸ به‌وسیله دولت موقت و سازمان پیشاهنگی در سال ۱۳۶۴ منحل شدند. سمپاد یک بار دیگر در سال ۱۳۸۹ براساس مصوبه شورای عالی اداری منحل و مأموریت‌های آن در قالب یک واحد سازمانی (مرکز) ذیل وزارت آب پیگیری شد. اما بار دیگر در سال ۱۳۹۸ پس از پیگیری موضوع از مراجع متعدد تصمیم‌گیری با تصویب اساسنامه آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی دوباره احیا شد. تنها موردی که هنوز به حالت انبساطی خود بازنگشته است، ادغام پژوهشگاه مطالعات آب در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بوده است که در سال ۱۴۰۰ تا مرز جداسازی دوباره پیش رفت، اما در نهایت انجام نشد.

۴. گریز از مرکز وظایف تخصصی

واحدهای تخصصی در پی این بوده‌اند که با پراهمیت جلوه دادن وظایف و تمسک به حجم وظایف اجرایی در کل کشور (که به‌طور لزوم در ستاد انجام نمی‌شوند) تلاش کنند که به سازمانی وابسته تبدیل شوند. این موضوع باعث شده است که ستاد وزارتخانه دیگر نقش تنظیم‌گری در موضوعات اصلی مربوط به آب را نداشته باشد و بیشتر درگیر نقش‌های اجرایی، عمومی و پشتیبانی شود.

۵. رسوب ایدئولوژیک

بررسی سیر تغییرات در معاونت‌های وزارت آب نشان می‌دهد که به مرور معاونت پرورشی آنچنان اهمیت پیدا کرده است که برای تثبیت ایجاد آن برخلاف سایر معاونت‌ها و



سایر وزارتخانه‌ها بدعتی جدید ایجاد شده و «لایحه احیای معاونت پرورشی و تربیت بدنی در وزارت آپ» در سال ۱۳۸۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و به صورت قانون تصویب شد. به عبارتی دیگر دولت اختیار خود در تصمیم‌گیری درخصوص ساختار داخلی وزارتخانه را برای غیرقابل بازگشت شدن آن بنا به تجربه دولت قبل به مجلس واگذار کرده و این ایده به صورت قانون تثبیت و یا به عبارت نظریه نهادی رسوب پیدا کرده است. اما این روند به همین جا ختم نشد و در سال ۱۳۹۰ به موجب «تصویب‌نامه درخصوص تعیین شش معاونت در وزارت آپ» هیئت وزیران به طور عملی معاونت پرورشی و تربیت بدنی به دو «معاونت پرورشی و فرهنگی» و «معاونت تربیت بدنی و سلامت» جدا شد.

۵- نتیجه‌گیری

ساختار وزارت آپ در بیش از چهل سال گذشته تغییرات زیادی را به خود دیده است. با توجه به اینکه بیشترین صاحبان منفعت را در میان سایر وزارتخانه‌های کشور دارد، همواره مورد توجه ویژه تصمیم‌گیران و سیاستمداران بوده است. پس از انقلاب اسلامی با توجه به تقاضا برای ترویج ارزش‌های اسلامی، وزارت آپ به یکی از اصلی‌ترین وزارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد چراکه بستر اصلی ترویج فرهنگ اسلامی به حساب می‌آید. بنابراین همواره مورد توجه ویژه رهبر انقلاب اسلامی و مراجع تصمیم‌گیری بسیاری چون شورای انقلاب، مجلس شورای اسلامی، هیئت وزیران، شورای عالی آپ، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی اداری بوده است. این تعدد مراجع بر ساختار وزارت آپ نیز تأثیرگذار بوده و سبب بی‌نظمی و انسجام نداشتن در خط‌مشی‌های کلان این وزارتخانه شده است، به طوری که اغلب مراجع بی‌شمار در تعارض با یکدیگر و خنثی‌کننده تصمیم‌های پیشین یکدیگر بوده‌اند. در این میان شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجعی امن و به نسبت بدون بازگشت برای صاحبان منفعت گسترش تشکیلاتی وزارت آپ به دور از ملاحظه‌های کلان مربوط به حکمرانی آموزشی بوده است و بیشترین تغییرات ساختاری را به وجود آورده است.



هرچند از لحاظ قانونی صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی از نظر جایگاه قانونی برای ایجاد تغییر در ساختار دولت محل ابهام است، اما همچنان این مرجع در حاشیه‌ای به نسبت امن و تقدناپذیر به گسترش بی‌رویه و گاهی وقت‌ها موازی‌سازی در ساختار وزارت آب ادامه می‌دهد و ضروری است اصلاحات نهادی در وزارت آب درباره به رسمیت شناختن مسیری واحد و قانونی برای ایجاد تغییرات ساختاری انجام شود. این مسیر در تبصره ذیل ماده ۱۱۵ قانون مدیریت خدمات کشوری شورای عالی اداری به این ترتیب تعریف شده است: «ایجاد هرگونه دستگاه اجرایی جدید براساس پیشنهاد دستگاه‌های مرتبط موکول به تأیید شورای عالی اداری و تصویب هیئت وزیران و با تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود».

۶- منابع

- [1] Peters, B. Guy. The politics of bureaucracy: An introduction to comparative public administration. Routledge, (2018)., P. 136
- [2] Fioretos, Orfeo, Tulia G. Falleti, and Adam Sheingate, The Oxford Handbook of Historical Institutionalism. New York: Oxford University Press. (2016).
- [۳] پیرسون، پ، سیاست در بستر زمان: تاریخ، نهادها و تحلیل اجتماعی، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر نی. (۱۳۹۳).
- [۴] مک ناب، دی ای، روش‌های تحقیق کمی و کیفی مدیریت دولتی و سازمان‌های غیرانتفاعی، ترجمه رضا واعظی و محمدصادق آزمندیان، تهران: صفار. (۱۳۹۰).
- [5] Hall, P., & R.C.R. Taylor. Political Science and the Three New Institutionalisms. *Political Studies*, 44(5), (1996), 936 – 57.
- [6] Hay, C., & Wincott, D. Structure, agency and historical institutionalism. *Political studies*, 46(5), (1998), 951-957.
- [7] Fioretos, O. Historical institutionalism in international relations. *International organization*, 65(2), (2011), 367-399.
- [8] Thelen, K. Historical institutionalism in comparative politics. *Annual review of political science*, 2(1), (1999), 369-404.
- [9] Harty, S. 'Theorising Institutional Change' in Lecours, A. 'New Institutionalisms. Theory and Analysis', University of Toronto Press. (2005), 51-79



- [10] Historical Institutionalism Summary and Analysis. (2018, November).
UKEssays: بازایی از
<https://www.ukessays.com/essays/politics/historical-institutionalism-summary-7630.php?vref=1>
- [۱۱] زیمیل، گ، مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: شرکت سهامی انتشار. (۱۳۸۶).
- [13] Berger, P. L., & Luckmann, T. The social construction of reality: A treatise in the sociology of knowledge. Anchor. (1967).
- [14] Baba, M. L, Blomberg, J., LaBond, C., and Adams, I. "New Institutional Approaches to Formal Organizations." A Companion to Organizational Anthropology, (2013), 74-97.
- [15] Rixen, T., & Viola, L. A. Historical institutionalism and international relations: towards explaining change and stability in international institutions. Oxford University Press. (2016).
- [16] Della Porta, D., & Keating, M. (Eds.). Approaches and methodologies in the social sciences: A pluralist perspective. Cambridge University Press. (2008).
- [17] Dale, E. *Organization*. New York, NY: American Management Association. (1967).
- [18] Howard, M. M. *Organization and reorganization as manifestation of public policy: national security emergency management*. Unpublished Thesis (Ph D), Virginia Polytechnic Institute and State University. (1992).
- [19] Mann, D. E., & Anagnoson, J. T. (Eds.). Federal reorganization: Does it matter? A retrospective look. Durham, NC: Center for Resource and Environmental Policy Research, Duke University. (1979).
- [20] Leimer, P. F., Wolf, J. F., Roberts, P. S., Baile, K. C., & Khademian, A. M. Investigating Implementation of Federal Agency Reorganization. Doctoral Dissertation. Virginia Polytechnic Institute and State University. (2015).
- [21] Hardiman, N., MacCarthaigh, M., & Scott, C. The Irish State Administration Database, Codebook and Data description, 2014
- [22] Soifer, H. D. The causal logic of critical junctures. *Comparative political studies*, 45(12), (2012). 1572-1597.